این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این گزارش تخصصی به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید www.asemankafinet.ir

گزارش تخصصی آموزگار پنجم

نهادینه سازی نظم پذیری دانش آموزان پایه پنجم با راهکارهای مناسب

www.asemankafinet.ir

فهرست مطالب

چکیده..... ۲
نکات کلیدی :..... ۲
مقدمه ۳
بیان مسئله ۴
اهمیت موضوع ۵
بیان وضعیت موجود..... ۵
اهداف پژوهش :..... ۵
هدف اصلی :..... ۵
اهداف جزئی :..... ۶
مقایسه با شاخص..... ۶
جمع آوری اطلاعات..... ۶
الف – مشاهده :..... ۶
ب – گرفتن یک آزمون..... ۷
ج – تهیه پرسشنامه برای دانش اموزان ۷
د – مصاحبه با دانش آموزان..... ۹
تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها: ۱۰
تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس نمودار استخوان ماهی: ۱۲
اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:..... ۱۲
ارزیابی بعد از اجرای طرح (نقاط قوت) ۱۶
نقاط ضعف :..... ۱۸
نتیجه گیری ۱۸
پیشنهادات..... ۲۱
منابع ومآخذ:..... ۲۳

چکیده

بدون شک به منظور تدریس ونیل به اهداف آموزش و پرورش، وجود شرایطی لازم می باشد، از جمله این شرایط می توان به نظم حاکم بر کلاس به عنوان فاکتری مهم اشاره نمود، زیرا کلاسی که در آن اولین گام یادگیری (یعنی نظم وانضباط و مشارکت در فعالیت و جلب توجه فعال شاگردان) اعمال نگردد، به یقین نتایج مطلوبی نخواهد داشت. روش های کلاس داری ونظم کلاس در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش آموزان بسیار موثر می باشد.

اینجانب ..... در سال تحصیلی ..... در پایه پنجم ابتدایی مدرسه ..... مشغول به تدریس بودم .مشکلی که با آن موتجه بودم ، رعایت نکردن نظم و انضباط در سرکلاس در هنگام تدریس بنده بود . با مشاهده این وضع تصمیم گرفتم بوسیله یک پژوهش این مشکل را برطرف سازم .با تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش هایی همچون تقویت اعتماد به نفس ، ایجاد ارتباط و دوستی و تغییر روش تدریس و دادن مسئولیت برقراری نظم ، نظم پذیری را در آنها نهادینه کردم.

نکات کلیدی :

دانش اموز – نظم و انضباط – نهادینه کردن

مقدمه

دشواری کنترل دانش آموزان با توجه به ویژگی های سنی آنها روز به روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان احساس ناتوانی می کنند و به طور معمول ممکن است برخورد های نامناسبی با این رفتار ها داشته باشند. در زمینه‌ی بی انضباطی دانش‌آموزان،معلمان باید پاسخگوی سوالاتی از قبیل این سوالات باشند. ۱ – بی‌انضباطی چیست و چگونه می توان انضباط را آموخت؟ ۲- چگونه می توان از بروز رفتار های نا مناسب دانش‌آموزان که نظم و انضباط کلاس را مختل می‌کنند جلوگیری کرد؟ ۳ – علل بی انضباطی دانش‌آموزان کدامند؟ ۴ – چگونه میتوان این رفتارهارا کاهش داد یا از بین برد ؟

نظم و انضباط تعاریف متعددی دارد. عده‌ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می نامند, برخی معتقدند؛ نظم و انظباط شامل هر نوع سازماندهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود.«انضباط عبارت است از :اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می‌کند و اخلال در کلاس را به حداقل کاهش می دهد». «انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می‌شود که مانع سر زدن رفتارهایی از دانش آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به اخلال می کند» در جایی دیگر بی‌انضباطی را اینگونه تعریف می کنند :«هر نوع رفتاری که از ارزش‌های پذیرفته شده جامعه به دور است (با توجه فرهنگ)و دارای تکرار شدت و مداومت است و در زمانها و مکانهای متعدد اتفاق می افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است».

با وجود تعاریف بالا بی انضباطی را می توان اینگونه تعریف کرد : انجام دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته نشده و نا معقول توسط دانش‌آموز که سازماندهی مدرسه وکلاس را مختل یا تهدید به اخلال می کند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش‌آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود باز می دارد.

بیان مسئله

هدف از نظم و انضباط در آموزش و پرورش آن است که دانش‌آموزان را با مقررات مدرسه هماهنگ ساخته و محیط یادگیری را معنی‌دارتر و تمایلات و غرایز طبیعی و فطری آنها را در جهتی مطلوب هدایت و راهنمایی کند.

در مقابل، بی‌انضباطی و بی‌نظمی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: انجام دادن هر عمل یا رفتاری به وسیله دانش‌آموز که سازماندهی مدرسه و فعالیت‌های کلاس را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند. ایزابل کلاک، بی‌انضباطی را رفتاری می‌داند که از طرف تعدادی از دانش‌آموزان انجام می‌شود و مشکلاتی را برای معلم به وجود می‌آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان است، با مشکل روبرو کرده و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می‌شود و رفتار آنان، نامعقول و نامنظم است.

می‌دانیم که انضباط اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان می‌تواند روی آموزش اثرگذار باشد. بنابراین، پرورش همراه آموزش مهم جلوه می‌کند. دانش‌آموزان باانضباط می‌توانند مسؤلیت‌های مهم مدرسه را به عهده بگیرند و در آینده نیز جامعه، به خوبی پذیرای این افراد است.

اهمیت موضوع

هدف از پژوهش حاضر، چگونگی ایجاد کلاسی با دانش‌آموزان با انضباط و منظم است که انسان‌های پرورش‌یافته در این کلاس ، در آینده انسان‌هایی به‌تعالی‌رسیده، تغییر رفتار داده و متفکر و متعهد خواهند بود که فقط هدف آنها کسب نمره بالاتر نیست، بلکه هدف آموزش و پرورش است. نظم و انضباط حاکم بر کلاس باعث می‌شود دانش یادگیری در دانش آموزان بهتر شود و این نظم و انضباط نه تنها داخل کلاس ، بلکه خارج از مدرسه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌شود دانش‌آموزانی باایمان، مشتاق به درس و مدرسه و در آینده توانمند روی کار بیایند. از اینرو به منظور بررسی عمیق‌تر مسئله به ذکر دلایل ایجادکننده بی‌انضباطی در مدرسه پرداخته و در ضمن آن به راهکارهای مؤثر جهت ارتقای سطح انضباط اشاره می‌شود.

بی‌انضباطی دانش‌آموز، تنها معلول مدرسه و کلاس درس نیست بلکه عواملی نظیر عوامل خانوادگی، اجتماعی، روحی و روانی و رفتار نامناسب برخی معلمین را شامل می‌شود که هر کدام یا مجموعه‌ای از این عوامل به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زمینه را برای بروز رفتارهای مخرب دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

بیان وضعیت موجود

اینجانب ..... در سال تحصیلی .....به عنوان آموزگار پنجم ابتدایی در مدرسه .....مشغول به تدریس بودم . مشکلی که از همان ابتدا با ان مواجه بودم ، بی نظمی و بی انضباطی تعدادی از دانش آموزان کلاس بود . آنها به درس گوش نمی دادند و با اذیت کردن بقیه بچه ها باعث شده بودند که آنها نیز نتوانند به خوبی درس را یاد بگیرند . با دیدن این مشکل تصمیم گرفتم علل این مشکل را بررسی کرده و راه حل هایی جهت رفع آن در نظر بگیرم .

اهداف پژوهش :

هدف اصلی :

نهادینه کردن نظم و انضباط در دانش آموزان

اهداف جزئی :

بررسی علل بی نظمی در دانش آموزان

بکارگیری روش هایی جهت نهادینه کردن نظم و انضباط در دانش اموزان

مقایسه با شاخص

در مقایسه با شاخص ، دانش آموزان بایستی به اهمیت نظم پی برده و آن را در کلاس و مدرسه و منزل رعایت کنند .

جمع آوری اطلاعات

الف – مشاهده :

۱- در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی بی انضباطی و بی انگیزگی هایی از جانب تعداد کثیری از دانش آموزان شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بیزاری از این دانش آموزان به من القا کرد. اما بعد از دو سه روز از سال تحصیلی متوجه شدم که دانش آموزان کمی آرامتر و متمایل تر به کلاس شده اند و کمی جو کلاس رو به دوستی پیش می رود و به این نتیجه رسیدم که می توان از در دوستی با ایشان وارد شد و برای مثال یک مرتبه یکی از آنها علیرغم قوانین مدرسه موبایل آورده بود که من علیرغم متوجه شدن چشم پوشی کردم و اگرچه شاید این کار من از نظر اولیای مدرسه جالب و صحیح نبود اما مرا در جلب اعتماد و دوستی بیشتر با ایشان یاری و آنها را آرام تر کرد و متوجه شدم با مصالحت و دوستی می توان تا حدی مسئله را حل کرد ولی چگونه؟

۲- طی چند ماه متوجه شدم که از طرف سایر عوامل مدرسه هم به شدت از کلاس من انتقاد می شود و کارهایی را که دانش آموزان انجام می دهند خلاف مقررات مدرسه است مثل همان مسئله موبایل که ذکر شد. و همه همکاران یکصدا می گفتند فلان و . . . ولی هیچ کس در صدد اصلاح وضعیت نابهنجار بر نمی آمد.

۳- از جمله کارهایی که بچه ها سر کلاسها انجام می دادند که جو کلاسها را به هم می ریخت و باعث آزار من می شد .

۴- همواره امتحان هایی را که مشخص می کردم به تعویق می انداختند .همواره ابراز خستگی و بی حوصلگی و بی علاقگی به درس می کردند و با گفتن «خسته نباشید» و «خانم بس است» و «خسته شدیم» و . . . می خواستند کلاسها را به مسائل غیر از مسئله درس بکشانند. گاهی بدون اجازه من در کلاس جابجا می شدند . راه می افتند و نزد دوستان خود می روند و خوراک می خوردند یا از آینه و اسپری سر کلاس استفاده می کردند. در این زمینه چندین بار با ایشان برخورد کردم ولی نمی دانستم چه کنم تا جلو این بی نظمی ها را بگیرم و وضع را بهبود بخشم .

ب – گرفتن یک آزمون

قدم بعدی گرفتن یک آزمون کوتاه در زمان وضعیت نامطلوب بود .یکی از بچه ها با بهانه بیماری بعد از پخش شدن سؤالات پرسشنامه خود را با گستاخی روی میز گذاشت و گفت: من امتحان نمی دهم. وقتی چرایی کارش را جویا شدم با بی تفاوتی شانه ها را بالا انداخت و گفت: بیمار بودم (تمارض) و یکی دیگر از آنها گفت درس نخوانده و باز امتحان نداد و دیگران هم که نشسته بودند و مثلاً امتحان می دادند شروع به تقلب کردند خواستم آنها را از هم جدا کنم که با عکس العمل مواجه شدم که برخواستند، قهر کرده و برگ خود را روی میز گذاشتند و رفتند و گفتند امتحان نمی دهند.

ج – تهیه پرسشنامه برای دانش اموزان

در مرحله بعد پرسشنامه ای تهیه کردم و با طرح ۵ سؤال به دانش آموزان نظرات ایشان را راجع به چگونگی رفتارها و نگرش و برنامه هایی که برای آینده خود دارند پرسیدم و شواهدی تهیه کردم. پاسخ های ایشان به این پرسشنامه بسیار مأیوس کننده بود. اما پرسشنامه دوم را مدتی بعد از شروع کار به ایشان دادم .

با توجه به پاسخ هایی که دانش آموزان به پرسش نامه دادند اینگونه نتیجه گیری کردم که پاسخ اکثریت بچه ها به سؤال «انگیزه و هدف از آمدن به مدرسه» هدف های خوب و ارزشمندی چون رفتن به دانشگاه و مفید بودن به حال خود و جامعه بود یا حداقل هدف ایشان ادامه تحصیل بود. از این پاسخ بچه ها با آن اخلاق و بی انگیزگی که از آنها سراغ داشتم بسیار تعجب کردم و برایم جالب بود. البته ناگفته نماند که در پرسشنامه ی اول بچه ها در پاسخ به این سؤال بیشتر گفته بودند هدفشان وقت گذرانی و تنوع است. پس در پاسخ آنها به سؤال اول تقریباً چنین برداشت کردم که بچه ها حتماً انگیزه های خوبی برای درس خواندن دارند ولی عوامل دیگری چون جو مدرسه، معلمان، کتب درسی، اولیاء و . . . باعث اینگونه بی انگیزگی ایشان شده است. البته در این نوبت هم بودند دانش آموزانی که در جواب این سؤال گفته بودند حقیقتش نمی دانند چرا به مدرسه می آیند یا برای گذراندن وقت و . . . ولی اکثریت انگیزه های خوبی داشتند.

در پاسخ به پرسش «چرا بیشتر مواقع در کلاس ابراز خستگی و بی حوصلگی می کنند؟» عده ای روش تدریس معلمان را دوست نداشتند، گروهی از بعضی درسها بدشان می آمد، برخی کتابها را حجیم می دیدند و تعداد کمی هم عوامل بیرونی چون افکار و مشکلات خارجی (خانواده و . . .) را دخیل بر بی حوصله بودن سر کلاس می دانستند. با توجه به جمع بندی پاسخ های بچه ها به این پرسش به این نتیجه رسیدم که با تغییر روش تدریس توسط معلم و متنوع کردن کلاس حداقل کاری که می توان انجام داد تا به بهبود این وضع کمک شود و اتفاقاً چنین هم شد و تا حدی با تغییر روش به هدفم رسیدم.

در جواب سؤال «رابطه با اولیاء» بچه ها اکثراً می گفتند که روابط خوبی با اولیائشان دارند و از آنجایی که پرسشنامه ها بی نام بود چند نفری هم که نوشته بودند رابطه خوبی ندارند را نتوانستم پیدا کنم و با اولیائشان صحبت کنم. به جز یک مورد که نوشته بود رابطه اش با مادرش افتضاح است که اتفاقی متوجه شدم پرسشنامه چه کسی است، از او خواستم به مادرش بگوید بیاید تا با او صحبت کنم. مادرش آمد و وقتی با او صحبت کردم از حرف هایمان به این نتیجه رسیدم که فقط حساسیت های مادرانه و دلسوزانه مادر و شرایط سنی آن دانش آموز است که تصور می کند رابطه اش با مادرش بد است. در پاسخ به سؤال «نظر شما در رابطه با معلم هایتان

چیست؟» اکثریت نظر منفی داشتند که با توجه به پاسخ های پرسشنامه همکاران نیز به این نتیجه رسیدم که متقابلاً همکاران هم نظر خوبی نسبت به بچه ها ندارند.

مشاهده کردم بچه ها در پاسخ به سؤال «چه برنامه ای برای آینده خود دارید؟» اکثراً ایده ها و برنامه های خوبی داشتند مثل رفتن به دانشگاه، سر کار رفتن و پولدار شدن، ازدواج و . . . دانستم که باید به دنبال عوامل مخرب و موانع راه ایشان گشت و آنها را از بین برد تا بچه ها به هدف های درستشان هدایت شوند.

پس از آن از وضع نامطلوب کلاس عکس هایی گرفتم که زمان گرفتن عکس های بچه ها متوجه شدند. برخی به طنز می گفتند خانم برای روزنامه می خواهید؟ گاهی ژست می گرفتند و از من می خواستند از آنها عکس یادگاری بگیرم و شور و شوق و هیجانی در آنها ایجاد شد. برخی می گفتند خانم مشکوک شدید از ما عکس می گیرید می خواهید برای چی؟ چند بار متوجه شدم بچه ها پنهانی یا به وضوح و راحت سر کلاس غذا می خورند و این خوردن باعث حواس پرتی می شود. نمی دانستم با ایشان چه کنم. با مشورت با همکاران به این نتیجه رسیدیم که اینگونه با ایشان مقابله کنیم که خوراکی را بدون بحث از آنها بگیریم در گوشه ای از کلاس بگذاریم و بعد از تمام شدن کلاس آنها را دعوت به خوردن کنیم و این کار اتفاقاً جواب مثبت داد. برای جلسه بعدی یک آزمون بسیار کم حجم در یکی از کلاس ها گذاشتیم و در جلسه بعد بود با بهانه تراشی و تقلب و تمارض بچه ها مواجه شدیم و نتیجه مطلوب و دلخواهی در روند کار دیده نشد. نمره دانش آموزان هم یکی دیگر از شواهد و مشاهدات مستقیم من بود .

د – مصاحبه با دانش آموزان

در نوبت بعد با دانش آموزان صحبت کردم و به صورت شفاهی مصاحبه ای انجام دادم که «بچه ها هیچ فکر کرده اید چند مدتی است کلاسهایتان آشفته شده و تا پایان سال تحصیلی وقتی نمانده. چه برنامه ای دارید؟ چه می خواهید انجام دهید؟ چرا درس نمی خوانید؟ و . . . چرا چنین جوی را از نظر اخلاقی و درسی ساخته اید؟» که با این پاسخ ها مواجه شدم: خانم چرا رفتار درست و مساعد داشته باشیم؟ چرا درس بخوانیم در حالیکه نه

رفتار خوب ما و نه تغییرات درسیمای به چشم اولیای مدرسه نمی آید. هیچ یک از رفتارهای مثبت ما دیده نمی شود اما روی کارهای بدمان ذره بین گذاشته شده. تشویق نمی شویم. برخی از دبیران ما که الگوی ما هستند با ما بدرفتاری و گاهاً به ما توهین می کنند و با این فکر که تا پایان سال چیزی نمانده بی خیال روزها را همچون گذشته خوش خوش می گذرانیم تا از شر مدرسه راحت شویم و . . . ما اصلاً دوست نداریم خوب بشویم بنابراین کاری برای بهبود اوضاعمان نمی کنیم. بسیار از این حرف ها متأسف و متأثر شدم و در صدد راه چاره برآمدم. ابتدا با مدیریت و دبیران وارد بحث در حیطه ی این موضوع شدم که خوشبختانه آنها ابراز نمودند تا حد ممکن به من در جهت رفع این مشکل کمک می کنند من برای بهبود وضع بچه ها از ایشان خواستم در جلسه شورای معلمان موضوع را مطرح کنیم و از همکاران یاری بخواهیم که متأسفانه جلسه ای برگزار نشد.

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

مشکل بیشتر کلاس ، بی انضباطی و بدرفتاری دانش آموزان بود و من در صدد پیدا کردن معضل این کلاس برآمدم و برای رسیدن به راههای مطلوب از روش ۶ پرسش برای تجزیه و تحلیل استفاده کردم.

به شرح ذیل:

۱- چه عواملی باعث شده است که دانش آموزان اینقدر بی انگیزه و گستاخ و . . . شوند؟

۲- چرا دانش آموزان این کلاسها تمایلی به بهبود وضعیت رفتاری کلاس ندارند؟

۳- چگونه می توان این وضعیت نامطلوب را به سمت وضعی مطلوب سوق داد؟

۴- چه کس یا کسانی می توانند مرا در رسیدن به هدفم (راهکاری برای بهبود اوضاع کلاسها) یاری دهند؟

۵- از کجا شروع کنم تا بتوانم بچه ها را به بهبود اوضاع مایل کنم؟

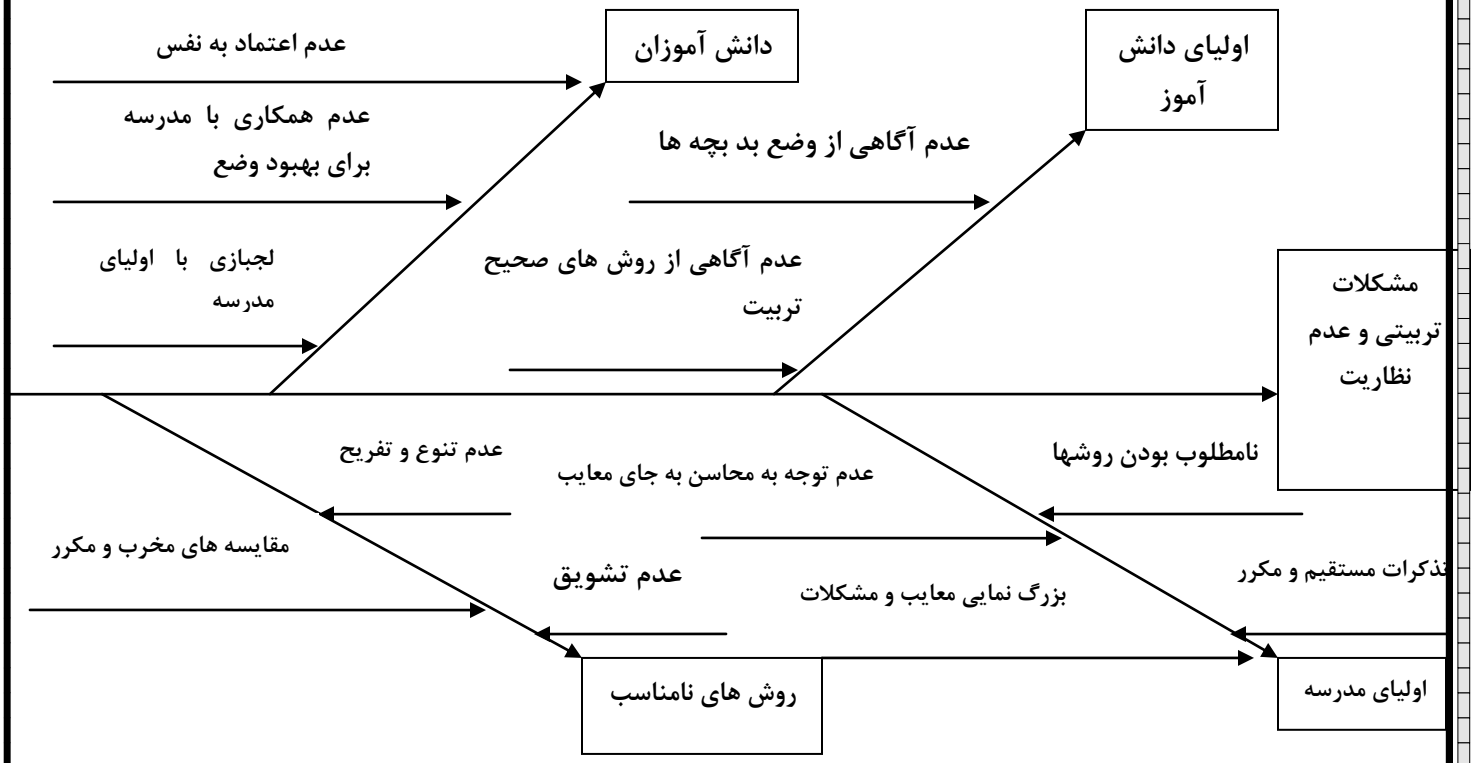
۶- از چه زمانی می توانم اقدامات لازم را در بهبود وضع بچه ها اجرا کنم؟

تفسیر:

با توجه به شواهد ۱ برای پاسخ به ۶ پرسش این نتایج بدست آمد:

عواملی که دانش آموزان این کلاس را اینگونه بی انگیزه و گستاخ کرده عبارتند از: عدم آگاهی بچه ها از اینکه اینگونه رفتارهای آنها چقدر ممکن است در نگرش و دیدگاه دیگران نسبت به آنها و . . . گران تمام شود. علت دیگر این بود که اولیای مدرسه نقطه های مثبت رفتاری بچه ها را نمی دیدند و مدام انگشت روی نقاط ضعف آنها می گذاشتند و دائم به قول خود دانش آموزان سر هر مسئله ای به آنها گیر می دادند به حدی که بچه ها اعتقاد داشتند سال تحصیلی که تمام است و هر چه بوده گذشته و این مدت باقی مانده هم با بی خیالی می گذرد. به این نتیجه رسیدم که از جمله افرادی که می توانند مرا در امر رسیدن به راهکارهای مطلوب یای دهند، در هر مرحله ای خود بچه ها هستند و بعد از ایشان اولیای مدرسه و اولیای دانش آموزان و برای رسیدن به هدفم با افراد ذیصلاح مشورت کردم. مثلاً به پیشنهاد یکی از معلمان تصمیم گرفتیم از نمایش یک فیلم در امر تعلیم و تدریس یک درس استفاده کنیم و به صورت غیر مستقیم اخلاق پسندیده را به آنان آموزش بدهیم. از آنجایی که بچه ها به فیلم علاقه مند هستند، این امر هم در ایجاد رابطه ای دوستانه و ساختن جوی مساعد مرا یاری کرد و هم تقریباً نتیجه ی دلخواهی نصیبم شد. دیگر اینکه با ایجاد یک اردوی دوستانه با دانش آموزان توانستیم از خوشان در حل مشکلشان استفاده کنیم. و تشخیص دادم زمان مساعد و مناسب برای اقدام های لازم دقیقاً بعد از شناخت معضل و مکان مناسب این کار در مرحله ی اول می تواند خانه و بعد مدرسه و مکان هاب تفریحی و اردوگاهها باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس نمودار استخوان ماهی:



اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:

راهکارهای پیشنهادی را می توان از درون داده ها چنین بدست آورد و نتیجه گرفت:

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه و همکاران و گرفتن ایده های ایشان برای حل معضل

۳- مشورت با اولیای دانش آموزان برای حل معضل

۴- ایجاد انگیزه با ترتیب دادن برنامه های متنوع، اردو و برنامه های شاد

۵- تقویت اعتماد به نفس و تشویق و ترغیب ایشان به بهود اوضاع

۶- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند.

۷- تغییر روش تربیتی و آموزشی از سنتی به نوین

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی. در این مورد چنانچه به خاطر دارم، در اوایل امر به دلیل کم تجربگی خودم و عدم شناختم از دانش آموزان سعی کردم خودم هم کمی خشک برخورد کنم و فکر می کردم اگر با بچه ها راحت تر باشم ممکن است مورد سوء استفاده قرار بگیریم و این را یکی از عواملی دیدم که در خراب شدن اوضاع این کلاسها و ایجاد فاصله بین من و دانش آموزانم و سخت شدن کار مؤثر بود. به طور مثال زمانی که حتی دانش آموزان ابراز علاقه به اینجانب می نمودند حال یا به زبان می آوردند یا به هر نحو دیگری، من نیمه ی خالی لیوان را می دیدم و فکر می کردم همه ی این رفتارهای آنها چاپلوسی است و همین امور باعث ایجاد شکاف و مشکل شد. تا اینکه در طی این مدتی که روی این پژوهش انجام می دادم به این نتیجه رسیدم در یکی از جلسات یکی از کلاسها یکی از دانش آموزان که در برخورد با من رعایت ادب و احترام را می نمود، اما در عین حال شیطنت در وجودش موج می زد و اتفاقاً شخصیتی داشت که حکم رهبر یا معاون رهبر گروه بچه های شیطان کلاس را داشت آمد و گفت خانم امروز بیایید با هم برویم خانه تا یک مقدار از راه که با هم هم مسیر بودیم همراهیم کرد. بین راه حس کردم او حس نزدیکی بیشتری نسبت به گذشته با من می کند. شاید قبلاً هم بارها می توانسته و دوست داشته بیاید و پیشنهاد همراهی را به من بدهد ولی به دلیل برخورد های خشک و رسمی من به خود این اجازه را نمی داد یا شاید هم این بر می گشت به جو خارج از کلاس و مدرسه و این علت این امر بود به هر حال او چنین جسارتی پیدا کرده بود. در بین راه دیدم راحت تر شد و موبایلش را از کیف بیرون آورد و آن را چک کردو بعد گفت خانم می شود شماره تان را به من بدهید؟ اول کمی در این کار تردید داشتم اما بعد شماره را دادم. او هم شماره اش را به من داد و این اولین گام در ایجاد دوستی با یکی از اعضای این گروه مشکل دار و مشکل ساز بود و چون او به نوعی رهبریت سایرین را بر عهده داشت این کار من در حل مشکل با بقیه نیز بی تأثیر نبود.

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه در راستای حل معضل بچه ها به دلایل ذیل به وقوع نپیوست:

اول اینکه مسئله را با اولیای مدرسه مطرح کردم و از آنها راهکار خواستم و گفتم کاش همه همکارانی که با بچه های این کلاس سر و کار دارند را در یک جلسه گرد هم می آوردیم و با مطرح کردن مسئله از نظرات ایشان نیز بهره می بردیم. ایشان گفتند در یک جلسه شورای دبیران مسئله را عنوان می کنیم که جلسه شورا یکی دو بار پس از این صحبت تشکیل شد که همیشه متأسفانه مسائلی که از دید مدرسه مهم تر بود مانع از طرح مسئله کلاس شد و این مسئله هیچ گاه در شورا مطرح نشد. این بود که تصمیم گرفتم با ایجاد پرسشنامه از نظرات همکاران استفاده کنم که متأسفانه نسبت به جلسه شورا نتوانست به عنوان راهکاری مؤثر واقع شود. در مورد نظرات اولیای دانش آموزان و جلسه با ایشان هم همین موانع وجود داشت.

۳- در زمینه ایجاد انگیزه با ترتیب دادن اردو و برنامه های شاد اینگونه عمل کردم:

زمانی که تصمیم به رفتن به اردو با بچه ها گرفتم، متأسفانه متوجه شدم بخشنامه آمده که همه ی اردوها لغو شده است. و تنها کاری که توانستم در این مورد انجام دهم این بود که چند بار که کلاسم با برنامه ی جشن های پرورشی مدرسه برخورد می کرد و اختیار را به همکاران می دادند که اگر می خواستند می توانستند کلاس را تشکیل دهند، برای آنکه بچه ها بتوانند در آن ساعات از نظر روحی آرام شوند و بتوانند خود را با شادی و شرکت در جشن تخلیه روانی کنند، اجازه رفتن به جشن را به آنها می دادم. در ضمن خودم هم سعی می کردم همراه با آنها و در نزدیکترین مکان به آنها حضورمی یا فتم. و متأسفانه با توجه به شرایط تنها کاری که از دستم برآمد اینهایی بود که مطرح کردم و نه بیشتر.

۴- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله ی تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند. در این زمینه سعی کردم همیشه توانایی های بچه های مذکور را درشت تر ببینم و گه گاه برخی کارهای مثبتشان را در کلاس های دیگر به عنوان الگو مطرح کنم. از آنجایی که بچه ها با هم در ارتباط اند و به یکدیگر اطلاع می دهند که فلان معلم راجع به شما چه می گفت، بچه ها باور کردند که نقاط مثبتی هم دارند. یک مرتبه هم از مدیریت مدرسه تقاضا کردم که به عنوان تشویق در صف صبحگاه نامی از این کلاسها بیاورد که این کار در بهبود وضع رفتاری بچه ها خیلی موثر بود. در ضمن هر گاه از دفتر به این کلاسها می رفتم حتی به

صورت مصلحتی به بچه ها می گفتم: بچه ها جدیداً دفتر از شما خیلی رضایت دارد. این را خودتان می دانستید که خیلی عوض شده اید؟ و این کار خیلی آنها را بزرگ می کرد و در جهت بهبود دیدگاه مسئولان مدرسه سعی می کردم معایب بچه ها را کمتر مطرح کنم، مگر زمانی که به کمک ایشان جداً نیازمند بودم و محاسن بچه ها را بزرگ کرده به مسئولان گوشزد کنم که این کار در بهبود روابط بچه ها با دفتر مدرسه نیز بسیار مؤثر واقع شد.

۵- در مورد تغییر روش تدریس از سنتی به نوین سعی سعی کردم با مشورت با معلمان دیگر آنها ابتدا فضای کلاس را از شکل خشک و رسمی بیرون بیاورند به این صورت که صندلی های بچه ها گرداگرد کلاس چیده شود، همه چهره به چهره روبروی هم بنشینند و صندلی خودشان را هم در میان آنها تعبیه کردندو ضمن گروه بندی آنها بنا به اقتضای درس از روش های مشارکتی و اعضای تیم در امر تدریس استفاده شد که حس دوستی و روحیه ی همکاری را در بچه ها تقویت گردد. از دیگر اقداماتم در این راستا اینگونه بود:

ابتدا با دانش آموزان وارد بحث شدم و به درد دل و مشکلات ایشان به صورت یک مصاحبه ی شفاهی از وضع برخوردهای بد مدرسه (اولیای مدرسه) و کمبودها گوش دادم و سعی کردم ایشان احساس اعتماد بیشتری نسبت به من کنند. به طور مثال زمانی که با تخلف آوردن موبایل توسط یک دانش آموز مواجه شدم، با اغماض ایجاد اعتماد کردم.

پس از گرفتن یک آزمون و مشاهده ی نتایج مطلوب تر از گذشته ی ایشان سعی کردم ایشان را تشویق کنم که در جهت جلب اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه و ایجاد رابطه ی حسنه ی خودم با بچه ها بسیار مؤثر بود.

پرسشنامه ای ترتیب دادم و نظرات همکاران را جویا شدم که پیشنهادات و اظهار نظرات ایشان نیز مرا در این امر تا حدی یاری رساند.

ارزیابی بعد از اجرای طرح (نقاط قوت)

با توجه به طرح معضل و یافتن راهکارها پس از پرسش از بچه ها و همکاران و مشورت و همیاری دوستان و همکارانم عکس ها و اسنادی از بچه ها تهیه کردم که سیر تدریجی بهبود اوضاع کاملاً قابل دریافت بود

ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار:

براساس شواهد ۲ تأثیرات اقدامات انجام شده را بنا به دلایل زیر مثبت ارزیابی کردم:

گزارشی از کلاس های مذکور توسط مدیر محترم تهیه شد و تعیین اعتبار از طریق افراد زیر انجام گرفت:

۱- ارزیابی طرح توسط دانش آموزان به وسیله پرسشنامه ۲- توسط خودم

۳- توسط همکاران ۴- به وسیله کتاب ها

برای تحقق اهداف نظم و انضباط در مدارس باید با تکیه بر همه مطالب یاد شده، به دو موضوع مهم اصول انضباط و روش های آن توجه خاص داشت:

الف – اصول انضباط

اعمال و برقراری انضباط تابع اصول و قواعدی به شرح زیر است که بدون درک آن ها امکان موفقت در تغییر و اصلاح رفتار وجود ندارد:

۱- مبنای انضباط باید بر پایه دوستی دو طرفه معلمین و شاگردان باشد.

۲- مسائل انضباط صرفاً به محیط مدرسه محدود نمی شود. دانش آموزان فقط چند ساعتی در مدرسه هستند و بقیه ساعات زندگی خود را در خانواده و محله می گذرانند. بنابراین، ریشه های آن را باید در جاهای دیگر نیز دید و برای حل آن نیز باید از آن ها کمک گرفت.

۳- انضباط نباید بر پایه تنبیه اعمال شود.

۴- کنترل فرد بر رفتار خود از ضروریات ارزش انسانی است و بنابراین، برای برقراری انضباط باید از خود دانش آموزان استفاده کرد و خودشان درباره ی رفتارشان و چگونگی تأمین انضباط تصمیم بگیرند.

۵- انضباط باید به عنوان یک امر ضروری برای زندگی جمعی در مدرسه به حساب آید و همه اعضای سازمان آموزشی مانند دانش آموزان، معلمان، کارکنان، مدیران و حتی اولیاء آن را درک کنند.

۶- باید برای برقراری انضباط، مطالعات و امکانات لازم و آموزش آن پیش بینی شود.

۷- برای برقراری انضباط، دانش آموزان باید درک کنند که انضباط فقط مربوط به مدرسه و برای مدرسه نیست، بلکه آن پایه ای برای انضباط اجتماعی و رعایت مقررات و نظم جامعه و زندگی است.

۸- درک چراهای رفتاری و انضباطی مقدم بر رفتار ظاهری و رعایت انضباط است.

۹- از آن جا که انضباط مربوط به تمام زندگی است، توجه به نکات زیر ضروری است.

الف – نگاه به انضباط برای حفظ سلامتی و بهداشت فرد و اجتناب از عادت های بد،

ب- کوشش مستمر به سوی توسعه و بهسازی روانی و ذهنی،

ح- آزاد اندیش شدن و رعایت حدود آزادی ها و حقوق دیگران،

د- اجتناب از بدخواهی علیه هر کس

ه- آموزش و توسعه سعه صدر، دوستی و عدالت نسبت به دیگران.

۱۰- رعایت اصل اعتدال و عدالت در امور انضباطی بر اساس توان و تکلیف افراد.

ب- روش های برقراری انضباط

بر پایه مطالعات و گفتاری پیشین، روش های زیر برای برقراری انضباط پیشنهاد می شود:

۱- به کار گیری مشکل شناسی به عنوان پایه اصلی رهبری و مدیریت انضباط در سازمان آموزشی.

۲- تعیین اهداف، استانداردها، قوانین و مقررات روشن.

۳- روش ساختن و تفهیم انتظارات مدرسه از دانش آموزان و کارکنان.

۴- کوشش برای اعمال کوشش ها و فعالیت های هماهنگ بین مدیر، معلمان، دانش آموزان و اولیاء.

۵- بالا بردن توانایی های معلمان و مدیران در انگیزش، روش تدریس و روابط.

۶- بستر سازی و دادن مسئولیت برای خود کنترلی دانش آموزان در امور مدرسه.

۷- داشتن روابط حسنه با دانش آموزان – احترام به جای ترس.

۸- پیش بینی برنامه های متنوع ولی منظم و زمان مند بر اساس نیازهای دانش آموزان و اهداف تعلیم و تربیت و تلفیق آن ها.

۹- به کار گیری و دخالت دانش آموزان در امور برنامه ریزی و استقرار نظم و انضباط.

۱۰- ارتباط بین اولیاء و مربیان و توافق آن ها در مسائل تربیتی و روش ها.

۱۱- اعمال روش های درست تشویق و تنبیه.

۱۲- برنامه دار بودن و پیش بینی فعالیت ها.

نقاط ضعف :

همکاری کم والدین

نتیجه گیری

اگر دانش‌آموزان در مدرسه نظم و انضباط را رعایت کنند نتیجه آن مسئولیت‌پذیری آنها خواهد بود. این دانش‌آموزان با رعایت حقوق تمامی افراد و برخوردهای منطقی با مخالفین و احترام متقابل، از عصاره بدست

آمده از رعایت رفتار و عمل به آن در سطح مدرسه و بعد از آن پیاده کردن کاربردی‌تر در سطح اجتماع رفتار می‌کنند که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و کشمکشهای موجود در داخل اجتماعات انسانی باشد.

اگر به دانش‌آموزان بی‌انضباط و یا کم فعال مدرسه مسئولیتی را بدهیم و اجازه دهیم آن را تجربه کنند قطعاً این دانش‌آموزان از نظر انضباطی بهبودی پیدا خواهند کرد فقط این کار مستلزم فرآیند آزمایش و خطاست.

این مسئولیت‌ها باید از کوچک شروع شود و پس از آنکه دانش‌آموز از خود قابلیت ایفای مسئولیت را نشان داد مسئولیت‌های مهم داده شود. دانش‌آموز، با احساس مسئولیت کردن، به بحث و تصمیم‌گیری و مشارکت در مدرسه می‌پردازد که باعث ایجاد مدرسه‌ای نتیجه‌بخش می‌شود و محیط بهتری را برای آموزش فراهم می‌کند.رابطه نظم و انضباط با مسئولیت‌پذیری، رابطه‌ای متقابل است.

بعضی‌ها بر این باورند که برقراری نظم و انضباط در مدارس امروزی با توجه به اجتماعی که در آن قرار داریم خیلی مشکل است. مدرسه‌ای که نتوان در آن نظم را برقرار کرد، طبق مباحث قبلی این مدرسه موفق نخواهد بود. نه دانش‌آموز درس خواهد خواند و نه نظم کلاس را رعایت خواهد کرد.

خیلی از معلمان مدارس ما از مشکل بی‌انضباطی زجر می‌کشند زیرا عاقبت بی‌انضباطی را درس نخواندن می‌دانند. انضباط و تعلیم و تربیت ارتباط خیلی نزدیکی دارند و بعضی دیگر از معلمان با مدیریت خوب کلاس، انضباط را یک معضل نمی‌دانند.

بعضی معلمان و معاونان بر این اعتقادند که برای برقراری نظم حتماً شیوه تشویق و تنبیه باید وجود داشته باشد و بعضی دیگر معتقدند برای دانش‌آموز باید محیطی فراهم آورد که در آن برای قدم گذاشتن در جاده پیشرفت مورد حمایت قرار گیرد و موانع سر راهش هموار گردد. به نظر آنان دانش‌آموز انگیزه درونی دارد بنابراین کافی است که این انگیزه پرورش یابد نه اینکه کنترل شود تا بتواند به بار بنشیند بنابراین طبق این نظریه، معلم که جهت دهنده است حرف اول را در پرورش نمی‌زند ولی به این معنی هم نیست که دانش‌آموز را به حال خود رها کنیم.

سعی کنیم با دانش‌آموزان بی‌انضباط، آرام، خونسرد و حرفه‌ای برخورد کنیم. این نکته خیلی مهمی است زیرا اگر مأمور پلیسی وسیله نقلیه ما را به خاطر رعایت نکردن قوانین رانندگی جریمه کند حق اجرای قانون انتظامی دولتی را دارد یعنی صدور برگه جریمه، ولی حق تحقیر و رجزخوانی و سرزنش شما را ندارد. در مورد دانش‌آموزان بی‌انضباط هم عیناً همین است ما در حیطه وظایف خود حق اجرای برنامه انضباطی را داریم ولی نباید با فریاد زدن و حرکت انگشت، یا نگاه‌های تهدیدآمیز و یا تعابیر نیش‌دار و.... مورد بی‌انضباطی را به دانش‌آموز بگوییم. اگر برخورد ما با خونسردی و همراه با ریشه‌یابی باشد احتمال بیشتری دارد تا دانش‌آموز متوجه رفتارش شود زیرا ما می‌خواهیم با دانش‌آموزان تا پایان سال تحصیلی در مدرسه، با هم باشیم. اگر ما از دست دانش‌آموز، از حال طبیعی خود خارج شویم دیگر نمی‌توانیم به دانش‌آموز تسلط داشته باشیم. ما هنگام برخورد با دانش‌آموز بی‌انضباط باید آرام و خونسرد باشیم چرا که دانش‌آموزان از رفتار ما الگوگیری می‌کنند.

کم‌توجهی به دانش‌آموزان، به صورت ناتوانی در ادامه دادن یک تکلیف خاص آشکار می‌شود. دانش‌آموزانی هم در مدرسه هستند که معمولاً بیش‌فعال هستند که هم خانواده از دست چنین دانش‌آموزانی ناراضی است و هم مدرسه. این دانش‌آموزان در مدرسه، از دستورها اطاعت نمی‌کنند عملکردی تکانشی دارند و تحریک‌پذیر و خشن هستند. چون این دانش‌آموزان چنین مشکلاتی را دارند با هم سالان خود و خواهر و برادرشان مشکل دارند بعداً ممکن است در اجتماع دچار تنهایی و گوشه‌گیری شوند. این افراد از فعالیت‌هایی که نیازمند کاربرد نظم و انضباط مداوم و کوشش ذهنی و تقاضاهای سازمانی یا تمرکز حواس است، اجتناب کرده و یا بدشان می‌آید. این دانش‌آموزان در کلاس درس حواسشان به راحتی توسط محرک‌های ناآشکار منحرف می‌شود و در نتیجه هر محرک بی‌اهمیتی کار و فعالیت آنها را قطع کرده و باعث بی‌انضباطی در مدرسه می‌شوند.

برای ایجاد انضباط معلم باید خواسته‌های خود را با دانسته‌های دانش‌آموز هماهنگ کند و به اصلاح تجارب نادرست پرداخته و رفتارهای جدید ایجاد کند و تداوم در این رابطه اهمیت دارد. همچنین همکاران بدانند که دادن فرصت و مشاهده و تمرین رفتار مطلوب به دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد و رفتار صحیح را در عمل آموزش دهند.

دانش‌آموزان کادر مدرسه را، راهنمای اخلاقی خود می‌دانند و آنچه را که وی به عنوان نیک و زشت می‌گوید می‌پذیرند. بنابراین رفتار معلم با عمل او باید یکسان باشد.

پیشنهادات

ذکر چند نکته برای اداره ی مناسب کلاس و مدرسه که نقش مهمّی در نظم اجتماعی و بالا رفتن بازدهی آموزشی دارد به شرح زیر می باشد :

۱- قوانینی را که برای اداره ی کلاس ضروری به نظر می رسد باید با عباراتی مشخص در ابتدای سال تحصیلی برای دانش آموزان بیان کرد و بچه هایی که از قوانین اطاعت کنند و از مقرّرات کلاس سرپیچی نکنند را جهت تشویق در اردو های تدارک دیده شرکت داد .

۲- در اوّل سال تحصیلی جهت اجرای مناسب قوانین واحد آموزشی مدرسه تعهّدنامه ی ثبت نام دانش آموزان را در چندین نوبت مراسم صبحگاهی قرائت و تعهّد اخلاقی از کلّیّه ی دانش آموزان گرفته شود .

۳- جهت اجرای نظم درکلاس ها و برای همکاری با مدیر آموزشگاه برای هر کلاس یک مبصر - جانشین - مسئول غائبین و یک نفر به عنوان مسئول انتظامات سالن در حین خروج از کلاس و حیاط مدرسه با تأیید دانش آموزان انتخاب می شوند .

۴- انتخاب دو نفر از دانش آموزان تحت عنوان انتظامات جلوی درب ورودی سالن که در زنگ های تفریح مشغول انجام وظیفه می باشند .

۵- انتخاب سه نفر از دانش آموزان شورای دانش آموزی مدرسه تحت عنوان انتظامات درب ورودی حیاط مدرسه در زنگ های تفریح جهت کنترل افراد متفرّقه و دانش آموزان .

۶- تهیّه ی پارچه ی سفید بازوبند برای انتظامات حیاط مدرسه و درب ورودی حیاط مدرسه و درب سالن ورودی در زنگ های تفریح .

۷- تذکّر و قرارداد با دانش آموزان مبنی بر این که درحیاط مدرسه رعایت حال دانش آموزان بیمار و ضعیف را بکنند و حتی احتمال بدهند که در حین دویدن امکان دارد به یک دانش آموزی برخورد کنند که عمل جراحی کرده و بر اثر برخورد آن ها به زمین بخورد و منجر به خسارت شود ، در صورت بروز چنین حوادثی دانش آموز بی توجه مسئول پرداخت هزینه می باشد .

۸- تذکّر به دانش آموزان در خصوص باز بودن درب ورودی حیاط مدرسه مبنی بر این که ورود دانش آموزان به مدرسه آزاد امّا خروج از مدرسه ممنوع می باشد و بدون اجازه ی مسئولین مدرسه و خودسرانه خارج شدن از مدرسه تخلّف محسوب می شود .

۹- تهیّه ی دفتر انضباطی جهت یادداشت موارد تذکّر داده شده و موارد تشویقی دانش آموزان .

۱۰- پیگیری جدّی در مورد غائبین و در صورتی که دانش آموز بدون اطّلاع خانواده اش غیبت کند قبل از زنگ مدرسه با خانواده اش تماس گرفته و علّت غیبت سؤال شود .

۱۱- تذکّرات خصوصی به دانش آموزان شلوغ (بیش فعّال) و ایجاد انگیزه و علاقه در دانش آموزان .

۱۲- داشتن قابلیّت صبر و بردباری درصورت بروز مشکل و توانایی گوش دادن به حرف های دانش آموزان تارسیدن به نتیجه و برقراری آشتی و رضایت بین دانش آموزان در صورت چشم پوشی کردن آن ها از مسایل به وجود آمده .

۱۳- تذکّر نکات اخلاقی و حتّی نکات مهمّ کتابچه ی جوان ، قانون ، . . . و آگاهی دادن جهت مهارت های زندگی و این که با افراد مزاحم در خیابان و جامعه چطور برخورد کنند .

۱۴- اجتناب از تنبیه بدنی در کلّ دوران مسئولیّت .

هدف از انضباط این است که فرد را قادر به سازش با قوانین و مقرّراتی کند که فرهنگ یک گروه پذیرفته است به طوری که رفتار خود را با توقّعات وخواسته های سالم اجتماعی که در آن زندگی می کند هم آهنگ نماید .

منابع ومآخذ:

۱-میرزابیگی،علی،(۱۳۸۲)،نقش هنردرآموزش وپرورش وبهداشت روانی کودکان،تهران، انتشارات مدرسه،چاپ چهارم.

۲-هاجری،ضیاءالدین،(۱۳۷۲)،آنچه یک معلم بایدبداند،تهران،انتشارات راد،چاپ اول.

(کتاب مذکورترجمه می باشد ،امانام مؤلف درآن نوشته نشده است.)